**بسم الله الرحمن الرحیم**

**خبر واحد**

**بحث انسداد**

**تنبیهات انسداد**

**تنبیه اول**

**توضیح فرمایش صاحب هدایة المسترشدین**

**توضیح فرمایش شیخ طوسی**

**استاد آیت الله عندلیب همدانی**

**جلسه نود و نهم\_3 اردیبهشت1399**

هذا کله، مع ما علمت سابقا فی رد الوجه الاول مع إمکان منع جعل الشارع طریقا إلی الاحکام.

و إنما إقتصر علی الطرق المنجعلة عند العقلاء و هو العلم ثم علی الظن الاطمینانی.

در صفحه 439 و 440 که پاسخ مرحوم صاحب فصول را می دادیم، در اشکال اول، ایشان یک مطلبی را گفت که عینا آن مطلبی را که در صفحۀ 439 و 440 بیان کرد در صفحۀ 460، بحث امروز در پاسخ برادر صاحب فصول مرحوم شیخ محمد تقی نیز بیان می کند و آن این است که چه کسی گفت حتما شارع باید راهی را برای رسیدن به احکامش قرار داده باشد؟ این دو برادر بزرگوار اعلی الله مقامهما یک مطلب را مفروض گرفته اند وان این است که کانه شارع باید خودش یک راهی را برای رسیدن به احکامش جعل کند، نه ما این را منع می کنیم چه لزومی دارد؟ می توانیم احتمال بدهیم که شارع طریق خاصی را برای فهم احکامش قرار نداده است، می توانیم بگوییم شارع امتثال احکامش را ارجاع داده است به همان چیزی که عقلا می فهمند و اعتماد کرده است و بر دیدن و روش عقلائی که اگر علم ممکن بود، علم یا رجوع به ظن اطمئنانی که همان علم عرفی است الذی یسکن الیه النفس. خب همان چیزی که با همین بیانی که الان عرض کردم در رد وجه اول، یعنی وجه صاحب فصول بیان کردیم، این را می توانیم در رد مرحوم شیخ محمد تقی صاحب هدایة المسترشدین هم بیان کنیم، چه بگوییم؟ بگوییم امکان دارد، یعنی احتمال دارد که ما بگوییم چه کسی گفته است شارع طریقی را برای رسیدن به احکامش جعل کرده است؟ نه هیچ طریقی جعل نشده و بگوییم امکان دارد که شارع اختصار کرده باشد بر همان راه هایی که جاعلی به نام شارع ندارد بلکه المنجعله عند العقلاست. از همین راه ها علم به احکام پیدا کنم، راه جداگانه ایی خود شارع مقدس وضع نکرده است. چیست آن طرق؟ و هو العلم ثم علی الظن الاطمئنانی. ظن اطمئنانی هم همان چیزی بود که گاهی مسامحتا از او تعبیر به علم عادی، علم عرفی می شود الذی یسکن الیه النفس.

خب پایۀ فرمایش صاحب فصول مبنی بر مقدم بودن ظن بر طریق بر ظن در فروع، پایه سخن شیخ محمد تقی در این زمینه این است که شارع باید یک راه حلی را خودش بیان کرده باشد، ما از پیش خودمان نباید در محدوده شارع گام بر داریم. خب اگر کسی این مسیر را داشت بله ان نتایجی را که جناب صاحب فصول و جناب صاحب هدایة المسترشدین بیان کردند، گرفته می شود. ببینید تعبیر هدایة المسترشدین را که در صفحۀ 456 خواندیم که آنی که معیار است، العلم بالاحکام من الوجه المقرر لمعرفتها و الوصول الیها، آنی که شارع گفته است در همان صفحه باز می گوید و لم یقض من الادلة الشرعیه. پس معلوم می شود ایشان دنبال یک راه حلی شرعی است برای فهم احکام. جواب هم این است که چه کسی گفت ما در این جا احتیاج به جعل شارع داریم.

خب اگر یادتان باشد در اوائل بحث گفتیم بعضی ها سراغ ظن در مساله اصولیه رفتند، بعضی ها سراغ ظن فقهیه و بعضی هم گفتند فرقی نمی کند. حال عبارت را ببینید.

ثم إنک حیث عرفت أن مآل هذا القول إلی أخذ نتیجة دلیل الانسداد بالنسبة إلی المسائل الاصولیة و هی حجیة الامارات المحتملة للحجیة، لا بالنسبة إلی نفس الفروع، فاعلم

حال که بنا این حرف این آقایان، این دو برادر بزرگوار به این باشد که اگر انسدادی شدیم نتیجه شا حجیت ظن در مسائل اصولیه است، نتیجه اش حجیت امارات محتمل الحجیة است، نتیجه اش رفتن سراغ ظن در اصول است، نه فروع. در مقابلش هم حرف دیگری گفته اند:

فاعلم أن فی مقابله قولا آخر لغیر واحد من مشایخنا المعاصرین، قدست أسرارهم

مثل مرحوم شریف العلماء و آن چیست؟ قطب مقابل، قطب مقابل صاحب فصول، قطب مقابل هدایة المسترشدین. چی گفتند این آقایون مثل شریف العلماء و مشایخ معاصر شیخ انصاری؟

و هو عدم جریان دلیل الانسداد علی وجه یشمل مثل هذه المسألة الاصولیة،

اصلا نمی شود از مقدمات انسداد حجیت امارات محتمله را فهمید، اصلا ممکن نیست اگر مقدمات انسداد تمام شد سراغ ظن در مساله اصولیه برویم، نه

أعنی حجیة الامارات المحتملة.

بلکه از اول باید سراغ نصب فروع برویم. اول بحث گفتیم، اول تنبیه اول گفتیم که سه نظر است.

و هذا هو القول الذی ذکرنا فی أول التنبیه: (که چی گفتیم؟ گفتیم:) أنه ذهب إلیه فریق(یک عده به سمت و سوی این سخن رفته اند). و سیأتی الکلام فیه عند التکلم فی حجیة الظن المتعلق بالمسائل الاصولیة إن شاء الله تعالی(این را اجازه بدهید بعدا وقتی که رسیدیم به ظن در حجیت مسائل اصولیه آنجا باید بیان کنیم).

صفحه 438 بود آن اول تنبیه. گفت:

الثانی: مقابل هذا و هو من یری أن المقدمات المذکورة لا تثبت إلا إعتبار الظن فی نفس الاحکام الفرعیة.  
أما الظن بکون الشئ طریقا مبرء ا للذمة فهو ظن فی المسألة الاصولیة لم یثبت إعتباره فیها من دلیل الانسداد،(اثبات حجیت ظن در مساله اصولیه از عهده مقدمات انسداد بر نمی آید. پس مقدمات انسداد کجا می آید؟) لجریانها فی المسائل الفرعیة دون الاصولیة.

این قول دقیقا در مقابل صاحب فصول و قول صاحب هدایة المسترشدین است که البته یک نظر سومی هم انجا بیان کردیم و ان این بود که در صفحۀ 437 گفتیم:

لا فرق فی الامتثال الظنی بین تحصیل الظن بالحکم الفرعی الواقعی، و بین تحصیل الظن بالحکم الفرعی الظاهری،(که این نظر شیخ بود) کأن یحصل من أمارة الظن بحجیة أمر ...

خب حال این نظر دیگر را که نظر شریف العلمای بزرگوار است باید جداگانه بررسی کنیم.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد صلی الله علیه و آله و سلم.